

راهکارهای کنترل اجتماعی خشن از دیدگاه قرآن کریم

دکتر غلامرضا صدیق اورعی*
دکتر محمدسعید عبدخدایی**
محمد داوری***

چکیده

دین اسلام برنامه‌ جامعی برای کنترل و پیشگیری از کجروی دارد. بنابراین، استخراج آموزه‌های اسلامی در این باره می‌تواند کمک مؤثری به مسئولان نظام اسلامی برای مقابله با آسیب‌های اجتماعی باشد. یکی از محورهای مهم در این باره، آگاهی از دیدگاه قرآن درباره مجازات خشن است. راهکارهای کنترل خشن از دیدگاه قرآن عبارت است از: اعدام، قطع کردن دست و پا، قطع کردن دست، شلاق زدن، بازداشت، تبعید و محدودیت در ارتباط با دیگران. این نوع از مجازات برای تعداد اندکی از کجروی‌ها و در خصوص کسانی اجرا می‌شود که با اختیار خود از کجروی باز نمی‌گردند و سایر کنترل‌های غیر خشن نیز نمی‌توانند سبب بازگشت آنان از کجروی شوند. قرآن کریم با تأکید بر حکم قصاص قاتل، یکی از پیشرفته‌ترین و عاقلانه‌ترین برنامه‌های پیشگیری از قتل را ارائه کرده است، چرا که قصاص قاتل، سبب حیات جامعه است، هرچند قاتل براساس رضایت اولیای مقتول و گذشت آنان از حق شرعی و قانونی خود، می‌تواند با پرداخت دیه و جلب رضایت آنان از اعدام نجات یابد.

واژه‌های کلیدی: روش گراندتئوری، کنترل اجتماعی، کنترل اجتماعی خشن، مجازات، زندان، تنبیه بدنی، تبعید

Email: sedighourae@gmail.com

Email: abdkhoda@um.ac.ir

Email: mdavari42@gmail.com

* عضو هیئت علمی دانشگاه فردوسی مشهد

** عضو هیئت علمی دانشگاه فردوسی مشهد

*** دانشجوی دکترا و عضو هیئت علمی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

تاریخ دریافت: ۹۳/۲/۲۸ تاریخ تأیید: ۹۲/۵/۱۳

مقدمه

شیوع تأمل برانگیز رفتارهای کجروانه در گونه‌های متفاوت، عواطف جامعه اسلامی ایران را جریحه‌دار کرده و موضوع صیانت از کیان دینی جامعه و ارزش‌های حاکم بر آن را به یک «مسئله اجتماعی» تبدیل کرده است. از طرف دیگر، به لحاظ نظری، نیز هنوز نظریه کنترل اجتماعی کجروی براساس نگاه جامع به منابع اسلامی (آیات و روایات) ارائه نشده است که بتواند همه جنبه‌های کجروی را دربرگیرد. علاوه بر این، برای مقایسه نظریه اسلامی با نظریه‌های ارائه شده درباره کنترل کجروی و تعیین موارد انطباق و همخوانی این نظریه‌ها با دیدگاه اسلامی، به استخراج آموزه‌های دینی و ارائه آن در قالب نظریه‌ای منسجم نیاز است. بنابراین، یکی از مسائل مورد توجه جامعه، ارائه دیدگاه قابل قبول برای مهار کجروی و کنترل آن از دیدگاه اسلام است. از جمله راهکارهای کاربردی و معمول جوامع برای کنترل کنش‌های کجروانه، مجازات کجروها با به‌کارگیری ابزار خشن است. این گونه از مجازات، با مکانیزم خشونت و با ابزارهایی، مانند اعدام، زندان یا تنبیه‌های بدنی اجرا می‌شود. درباره اجرای این نوع از مجازات‌ها، مانند اعدام و زندان، دیدگاه‌های گوناگون و گاه متناقضی بیان شده است. آگاهی از دیدگاه قرآن، می‌تواند در پایان دادن به برخی از این اختلاف‌ها تأثیر بگذارد. ضرورت این تحقیق نیز آن است که یکی از عناصر مهم در بیان نظریه کنترل اجتماعی اسلامی، آگاهی از دیدگاه قرآن درباره مجازات خشن است. این مقاله درصدد بررسی مکانیزم‌های اجرای این نوع از کنترل اجتماعی و بیان دیدگاه قرآن در این باره، با مراجعه به تمامی آیات قرآن است. هدف اصلی این تحقیق، نیز استخراج و تنظیم آموزه‌های قرآن درباره راهکارهای کنترل اجتماعی خشن است. همچنین در کنار هدف اصلی، اهداف کلان دیگر نیز در نظر گرفته شده است: ۱. زمینه‌سازی برای تدوین نظریه کنترل اجتماعی اسلامی؛ ۲. ارائه راهکارهای عملی کنترل جرم و کجروی به مسئولان نظام جمهوری اسلامی ایران.

پرسش اصلی تحقیق، عبارت است از: «دیدگاه اجتماعی قابل انتساب به قرآن درباره کنترل اجتماعی خشن چیست؟» پرسش‌های فرعی تحقیق نیز عبارت است از: ۱. دیدگاه قرآن درباره مجازات زندان چیست؟ ۲. دیدگاه قرآن درباره مجازات اعدام چیست؟ ۳. دیدگاه قرآن درباره استفاده از تنبیه‌های بدنی چیست و چه نوع از تنبیه‌ها را پیشنهاد می‌کند؟ ۴. نظام سلسله‌مراتبی به‌کارگیری سازوکارهای کنترل اجتماعی خشن کدام است؟

چارچوب مفهومی

موضوع مقاله حاضر، «راهکارهای کنترل اجتماعی خشن از دیدگاه قرآن کریم» است. این پژوهش، تحقیقی اکتشافی است؛ از این رو، چارچوب نظری و فرضیه ندارد. این تحقیق درصدد است که گزاره‌های اسلامی را در قالب مفاهیم جامعه‌شناسی ارائه کند و به جمع‌بندی نهایی با دیدگاهی منتسب به قرآن در این باره برسد؛ بنابراین، از زبان و ذهنیت جامعه‌شناسی بهره می‌برد تا با به‌کارگیری این علم، به توضیح اصلی‌ترین مفاهیم خود بپردازد. پس چارچوب مفهومی فراهم آمده، دستاورد این ضرورت است.

مفاهیم اصلی تحقیق، «کجروی» و «کنترل کجروی» و «کنترل خشن» است. به دلیل آنکه کجروی نوعی نقض هنجار است، به مفهوم «هنجار» نیز اشاره شده است. همچنین با توجه به اینکه سازوکار اجرایی کنترل خشن، براساس مورد حمله قرار دادن یکی از نیازهای اساسی انسان شکل می‌گیرد، مفهوم نیاز توضیح داده شده است. از آنجا که هدف از مورد حمله قرار دادن امنیت، کم کردن انگیزه شخص برای ارتکاب کجروی است، مفهوم انگیزه نیز مورد توجه قرار گرفت.

نیاز: عبارت است از حالت محرومیت، کمبود و نبود در ارگانیزم، مانند کمبود غذا، آب و اکسیژن، یا کمبود هر حالتی که برای استمرار و ادامه حیات یک موجود زنده ضرورت دارد و برای بهزیستی فرد لازم است (براندن، ۱۳۷۱، ص ۴۱؛ شکیباپور، ۱۳۶۳، ص ۱۱۳). به بیان دیگر، «نیازها تنش‌هایی است که عدم تعادل زیستی بین فرد و محیط فیزیو-شیمیایی درون و بیرون از ارگانیزم آنها را به بارمی‌آورد» (فیسست و گریگوری، ۱۳۸۶، ص ۲۵۵؛ سالاری فر و همکاران، ۱۳۸۹، ص ۸۶ و ۸۷). بنابراین، چهار معنای اصلی مفهوم نیاز عبارت است از: «عدم تعادل»، «نقص»، «ضروری بودن» و «متشأ بودن برای رفتار».

انواع نیازهای انسانی: نیازهای آدمی آنقدر گسترده و متنوع است که با وجود تلاش‌های روان‌شناسان، فهرست کامل تأییدشده توسط بیشتر مؤلفان وجود ندارد. امروزه روان‌شناسان کاملاً پذیرفته‌اند که در انسان دو گونه نیاز دیده می‌شود: ۱. نیازهای زیستی، مانند نیاز به غذا، آب و جنس مخالف؛ ۲. نیازهای روانی و عاطفی که براساس شرایط و ضرورت‌های فرد است و کاملاً جنبه روان‌شناختی دارد. مازلو، نیازهای اساسی انسان را به صورت سلسله‌مراتبی، به پنج دسته تقسیم کرده است:

- **نیازهای جسمی:** نیاز به غذا خوردن، آشامیدن، فعالیت، خواب و غیره؛

- **نیازهای ایمنی:** نیاز به امنیت، ثبات، نظم، رها بودن از ترس و نگرانی، نیاز به داشتن

حامی و غیره؛

- نیازهای پیوندجویی: نیاز به محبت و دلبستگی به گروه، دوستان، همسر و فرزند، برقراری روابط اجتماعی و مانند آن و اینکه بدانیم دیگران نیز همین احساس را نسبت به ما دارند؛

- نیازهای احترام: نیاز به آنکه هم خودمان، خود را محترم بدانیم و هم این احترام را از دیگران ببینیم؛

- نیازهای خودشکوفایی: نیاز به تحقق بخشیدن استعدادها (مازلو، ۱۳۶۷، ص ۷۰-۱۱۰؛ شولتز و الن شولتز، ۱۳۸۵، ص ۳۴۲-۳۴۷؛ گنجی، ۱۳۹۱، ص ۸۰۵-۸۰۸).

انگیزه: انگیزه، فرایندی است که در اثر آن، افراد به سمت اهداف گوناگون حرکت می-کنند (گنجی، ۱۳۹۱، ص ۸۰۳). نیاز به سیستم وجودی ما ربط دارد؛ در حالی که انگیزه به خرده سیستم عصبی - روانی ما مربوط است. در واقع، این دو، در راستای یکدیگر وجود دارند و با پیدایش یک نیاز، انگیزه - یا به عبارت کامل تر، یک انگیزاننده - پیدا می شود. این برانگیزاننده، مانند یک عامل، انسان را برمی انگیزاند. نیاز ممکن است در هر کدام از خرده سیستم های نظام وجودی ما ایجاد شود؛ حال آنکه، انگیزه حالتی است که در خرده سیستم هیجانی سیستم وجودی ما به وجود می آید. در واقع، انگیزه حالتی است که انسان را به فعالیت وادار می کند. روان شناسان مفهوم انگیزش را به عواملی محدود می کنند که به رفتار نیرو می دهد. یک جاندار انگیزخته در مقایسه با یک جاندار نانگیزخته با نیرو و کارایی بیشتری در یک فعالیت درگیر می شود. انگیزش، علاوه بر نیرو بخشیدن به جاندار، معمولاً به رفتار او نیز جهت می دهد؛ به این معنا که شخص گرسنه برای جستجوی غذا و نیز فرد دردمند برای گریز از محرک دردناک انگیزخته می شود (اتکینسون و هیلگارد، ۱۳۷۸، ص ۵۰۹).

هنجار: با توجه به نوع نگاه به هنجار، تعاریف گوناگونی می توان از آن ارائه کرد که عبارت است:

۱. «شکل مورد توافق عمل»: (از لحاظ افراد درگیر در تعامل برای اولین بار؛ یعنی توافق - کنندگان و ایجادکنندگان)؛
۲. «شکل مورد قبول عمل»: (از نظر عضو تازه وارد گروه که باید آداب و هنجارهای گروه را بیاموزد و خود را با آن تطبیق دهد)؛
۳. «هم شکلی های مشاهده شده در اعمال»: (از لحاظ یک محقق جامعه شناسی که وارد

جامعه ناآشنا شده است و می‌خواهد فرهنگ و زندگی اجتماعی آنان را مطالعه کند) (صدیق اورعی، ۱۳۸۲، ص ۲۳-۲۵).

کجروی: کجروی را می‌توان براساس دو مفهوم «کنش» و «شکستن هنجار» تعریف کرد و آن را کنش شکننده هنجار دانست. کوهن این تعریف را «متعارف‌ترین کاربرد معنایی» کجروی می‌داند (سلیمی و داوری، ۱۳۹۱، ص ۱۱۳ و ۱۱۴).

کنترل اجتماعی: کنترل را «توان اعمال قدرت، هدایت یا بازداشتن اعمال دیگران» تعریف کرده‌اند. از این رو، کنترل اجتماعی، فرایندی اجتماعی است که با بهره‌گیری از مجموعه‌ای از منابع مادی و نمادین و قواعد و اصول معین که ضمانت اجرا دارد، به دنبال تحقق همنوایی رفتاری اعضای خویش و مقابله با کجروی است (سلیمی و داوری، ۱۳۹۱، ص ۴۵۲).

تأثیر نیازها بر کنترل اجتماعی: فرضیه زیربنایی نظریه «نیازهای اساسی» مازلو، آن است که به دنبال بروز هر دسته از نیازها، رفتار شخص و همه کنش‌ها و واکنش‌های او در راستای ارضای آن قرار می‌گیرد. برای مثال، حمله کارگزاران کنترل اجتماعی به «نیاز امنیت» در شخصی کجرو که نیازمند برآمدن آن است، این معنا را می‌یابد که جامعه، برآمدن این نیاز را به تبعیت او از هنجارها مشروط کرده است. در اینجا مازلو، پیامد این حمله را آن می‌داند که چنین فردی به تبعیت از هنجارها روی خواهد آورد (سلیمی و داوری، ۱۳۹۱، ص ۴۷۱).

شیوه‌های اعمال کنترل اجتماعی: کنترل اجتماعی به دو گونه انجام می‌شود:

۱. **اجبار:** کاربرد وسایلی، مانند مجازات‌های قانونی و تنبیه؛

۲. **اقتناع:** واداشتن درونی افراد به پذیرش هنجارهای اجتماعی با وسایل گوناگونی، مانند تبلیغ، پاداش، اعتبار، اعطای درجه، تمجید و تشویق و قدردانی (ساروخانی، ۱۳۷۷، ص ۶۹۸؛ سلیمی و داوری، ۱۳۹۱، ص ۴۴۷).

انواع کنترل اجتماعی: در یک تقسیم‌بندی کلی و انتزاعی از انواع کنترل اجتماعی، می‌توان به این موارد اشاره کرد: ۱. کنترل رسمی؛ ۲. کنترل غیر رسمی.

کنترل رسمی: کنترل اجتماعی رسمی، دربردارنده اقدام‌هایی است که منابع اقتدار، آنها را در مسیر مقابله با وقوع جرم و کجروی در جامعه عهده‌دار می‌شود. این اقدام‌ها به سبب متکی بودن بر ضمانت‌های اجرایی دولتی، از یک طرف، به‌طور عمده الزام‌آور و متکی بر قهر و اجبارند و از طرف دیگر، به گستره‌ای خاص از هنجارهای اجتماعی (هنجارهای رسمی) محدود است که با تکیه بر همان ضمانت اجراهای حکومتی تعریف می‌شود (سلیمی و

داوری، ۱۳۹۱، ص ۵۰۱).

کنترل غیر رسمی: کنترل غیر رسمی، گونه‌ای از کنترل اجتماعی است که در گستره‌ای به تناسب جامعه، توسط هر یک از اعضا و در محیط‌های متفاوت خانواده، مدرسه، محل کار، اماکن مذهبی و غیره انجام می‌شود. این گونه از کنترل، در نقطه مقابل کنترل رسمی و براساس اصول اخلاقی، ارزش‌ها و هنجارهای متعارف است. ضمانت اجراهای اصلی کنترل غیر رسمی عبارت است از:

- متغیرهای درونی، مانند ترس از پذیرفته نشدن رفتار در اجتماع، ترس از روبه‌رو شدن با مخالفت جامعه، نگرانی از طرد اطرافیان و غیره؛

- اهرم‌های بیرونی، مانند تمجید و تشویق رفتارهای راست‌روانه و در مقابل، تمسخر، سرزنش و حتی طرد کج‌رو توسط دیگران (سلیمی و داوری، ۱۳۹۱، ص ۵۰۷).

روش تحقیق

روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی به دو روش «کمی» و «کیفی» تقسیم شده است. در روش تحقیق کمی، به منظور فراهم شدن امکان تعمیم دادن، پژوهش‌های پهنانگر انجام می‌شود؛ اما در روش‌های کیفی که به‌طور معمول به دلیل شناخت دقیق و همه‌جانبه پدیده‌ای خاص صورت می‌گیرد، تحقیقات ژرفانگر است. محقق در روش‌های کیفی، سعی در شناخت همه ابعاد و جزئیات واقعیت بررسی شده، به‌طور عمیق و گسترده دارد. به دلایل زیر روش‌های کیفی، مناسب‌ترین روش برای این مقاله است:

۱. نگارنده در پژوهش حاضر، براساس فرضیه‌ای از پیش تعیین شده و چارچوب نظری مشخصی، تحقیق را شروع نکرده است؛ بنابراین، فرضیه‌ای خاص ندارد که با روش کمی به دنبال اثبات آن باشد.

۲. این تحقیق به دنبال اکتشاف دیدگاه قرآن درباره کنترل خشن است؛ از این‌رو، برای اطمینان از انتساب دیدگاهی خاص به قرآن، تحقیقی اکتشافی و همه‌جانبه در آیات قرآن، نیاز است که آن نیز با روش کیفی قابل انجام است.

روش‌های کیفی انواع گوناگونی دارد. یکی از این روش‌ها، روش «گراند تئوری»^۱ است که در زبان فارسی به روش «رویش نظریه» یا «نظریه زمینه‌ای» ترجمه شده است. اولین ویژگی این روش، نبود یک تئوری از پیش تعیین شده، در شروع تحقیق است. نظریه در روش

بیان شده، در جریان تحقیق ظهور می‌یابد. در واقع، در این روش، برخلاف روش‌های دیگر - که در آنها محقق ابتدا فرضیه‌ای را مطرح می‌کند و بعد از مراجعه به واقعیت، آن را آزمون می‌کند - فرضیه‌ای وجود ندارد. به بیان دیگر، روش «رویش نظریه»، «یک روش پژوهش استقرائی و اکتشافی است که به پژوهشگران در حوزه‌های موضوعی گوناگون امکان می‌دهد تا به جای اعتماد به تئوری‌های موجود و ازپیش تعریف‌شده، خود به تدوین تئوری اقدام کنند». این روش، یک روش پژوهش عمومی برای تولید تئوری است؛ تئوری‌ای که براساس گردآوری و تحلیل نظام‌مند داده‌ها، بنیان نهاده شده است. «رویش نظریه» در طول تحقیق اتفاق می‌افتد و از رهگذر تعامل مستمر بین گردآوری و تحلیل داده‌ها به دست می‌آید. در این روش، جمع‌آوری اطلاعات و آنالیز آنها در یک تعامل بسیار نزدیک با یکدیگر است. تا جایی که مهم‌ترین عامل در این روش، نزدیکی همیشگی با داده‌ها است. در ادامه، مراحل تحلیل داده‌ها توضیح داده می‌شود:

۱. مقوله‌بندی و کدگذاری متن (داده‌ها): محقق در اولین قدم، با دقت در داده‌ها، سعی در شناسایی و تفکیک کردن میان انواع و اقسام آنها از جهت‌های گوناگون و کدگذاری این انواع می‌کند؛ یعنی پژوهشگر تلاش می‌کند داده‌های متفاوت را - که در نگاه نخست ممکن است تمایز آشکاری با هم نداشته باشند - از هم متمایز کند و داده‌های مشابه را گرد هم بیاورد و دسته‌بندی کند و سپس با کشف روابط میان دسته‌های گوناگون و متمایز داده‌ها، به ارائه نظریه برسد. در ادامه، انواع کدگذاری داده‌ها بیان و بررسی شده است:

الف) کدگذاری باز: «کدگذاری باز»، یک بخش از تجزیه و تحلیل است که شناسایی، نامگذاری، دسته‌بندی و تشریح پدیده‌های موجود میان داده‌ها را دربر می‌گیرد. هدف از کدگذاری باز، درک مفاهیم پنهان در بیان متن اصلی است که می‌تواند متن مصاحبه‌شونده یا اسناد مورد مراجعه باشد. مفاهیم و ملاک‌های تقسیم داده‌ها براساس انواع و اقسام، می‌تواند مفاهیم و ملاک‌های پیشین در دانش قبلی، یا مفاهیم و ملاک‌های ابداع‌شده توسط محقق و معطوف به داده‌های جدید و موجود در تحقیق باشد. این به آن معناست که نباید به برقراری پیوند بین داده‌ها و مفاهیم ازپیش تعیین شده اکتفا کرد؛ بلکه باید به ابداع مفاهیم نو نیز پرداخت. همچنین با دقت در داده‌ها و یافتن شباهت‌ها و تفاوت‌ها، در صورت لزوم به آفرینش مفاهیمی جدید - که توانایی محقق را در توصیف واقعیت زیاد می‌کند - دست زد. در این گام، داده‌ها از پراکندگی مطلق و بی‌نظمی زیاد، خارج و در مقوله‌های گوناگون دسته‌بندی می‌شود.

ب) کدگذاری محوری: «کدگذاری محوری»، فرایند ایجاد ارتباط بین کدها (دسته‌بندی‌ها و مشخصات) با یکدیگر است. محقق در این مرحله به دنبال نظم بخشیدن به عناوین به دست آمده در کدگذاری باز است. همچنین او به هر دسته از عناوین، عنوانی کلی‌تر و عام‌تر می‌دهد. انتخاب عنوان کلی، می‌تواند هم براساس دریافت‌های محقق و هم با مراجعه به دانش پیشین انجام شود.

ج) کدگذاری انتخابی: سومین مرحله کدگذاری، «کدگذاری انتخابی» است که در آن با بیان دسته‌بندی‌های گوناگون، یک دسته را به عنوان هسته و مرکز برمی‌گزینیم و همه دسته‌های دیگر را با دسته مرکزی ارتباط می‌دهیم. ایده اصلی، در کدگذاری انتخابی، ایجاد یک هسته اصلی برای ارتباط داده‌های دیگر به این هسته است. به بیان دیگر، محقق در کدگذاری انتخابی به دنبال کشف «خط اصلی داستان» است. در اینجا دوباره باید توجه داشت که برقراری همه این ارتباط‌ها میان مقوله‌های گوناگون با یکدیگر و عناوین متمایز و نتیجه‌گیری‌های بعدی، می‌تواند با به‌کارگیری دانش قبلی انجام شود یا می‌تواند نتیجه «حساسیت‌تئوریکی» شخصی محقق باشد. حساسیت‌تئوریکی نیز توانایی پژوهشگر در غوطه‌ور شدن در داده‌ها و معنا دادن به آنهاست. البته حساسیت‌تئوریک صرفاً از جنس نوآوری نیست؛ بلکه می‌تواند حساسیت محقق در برقرار کردن ارتباط میان یافته‌ها و نظریه‌های پیشین نیز باشد.

۲. یادداشت‌ها: نوشتن یادداشت‌های نظری، بخش جدانشدنی شکل‌گیری رویش نظریه است. یادداشت‌ها سبب تمرکز محقق در فرایند تحقیق و فراموش نکردن مقوله‌ها و فرضیه‌های نوظهور و تنظیم داده‌ها، برای دسته‌بندی‌ها و آشکار شدن نظریه می‌شود. همچنین یادداشت وسیله‌ای برای سازماندهی و کنترل داده‌ها است. هر یادداشت، ثبت حیطه‌هایی درباره داده‌ها یا مفهوم‌سازی داده‌ها و پرسش‌هایی را دربر می‌گیرد که در نتیجه این فرایند مطرح می‌شود. همچنین صورت‌بندی فرضیه‌ها و اندیشه درباره اینکه چگونه مفاهیم به یکدیگر مربوط می‌شوند، در یادداشت‌ها ثبت می‌شود. یادداشت‌ها در روش رویش نظریه بر سه دسته است:

الف) یادداشت‌های کدگذاری: این یادداشت، نوشته‌هایی مرتبط با «کدگذاری باز و عنوان‌دهی مفهومی نظریه» است، مانند نامگذاری‌ها، دسته‌بندی‌ها و تشریح ارتباطات موجود میان داده‌ها، یعنی یادداشت‌های مربوط به سطح نخست مفهومی (داده‌ها).

ب) یادداشت‌های نظری: نوشته‌های نظری، یادداشت‌های مربوط به کدگذاری محوری

و انتخابی است.

ج) **یادداشت‌های عملیاتی:** شامل مکتوب‌های مربوط به جهت‌گیری‌های طرح تحقیق و نظریه در حال ظهور می‌شود.

۳. **نگارش یافته‌ها و تحلیل نهایی:** آخرین گام، «مرحله نوشتن یا رویش نظریه جدید و نهایی» است. محقق در این گام، نظریه رویش یافته از بین نوشته‌ها و تفکرهای خویش، یا نظریه تولیدشده از ادغام این تفکرها با دانش پیشین را با نظریه‌های قبلی مقایسه می‌کند و به ارزیابی نهایی آن، از راه «بررسی میزان تفاوت‌ها، شباهت‌ها و چرایی آنها» می‌پردازد. این کار با دقت در نوشته‌های نهایی صورت می‌گیرد و محقق آخرین اصلاحات را بر آنها اجرا کرده و تحلیل نهایی خود را به نگارش درمی‌آورد (موارد فوق برگرفته از: استراوس و کربین، ۱۳۹۰؛ علی احمدی و نهایی، ۱۳۸۶؛ صدویق اورعی، ۱۳۹۰).

کاربرد روش «رویش نظریه» در عمل: پس از انتخاب موضوع و روش انجام پژوهش، مراحل اجرایی تحقیق به شرح ذیل انجام شد. نخست با توجه به فضای اصلی پژوهش، پرسش‌ها و مفاهیمی استخراج شد که محورهای مهم تحقیق را دربر داشته باشد. در مرحله دوم تحقیق، با به‌کارگیری این پرسش‌ها و عناوین گرفته‌شده و با استفاده از ادبیات تحقیق، چارچوب مفهومی متناسب با موضوع تدوین شد. به دلیل آنکه موضوع پژوهش، به دست آوردن دیدگاه قرآن درباره راهکارهای کنترل خشن در قرآن بود، ابتدا تمام قرآن مطالعه شد و سپس با توجه به پرسش‌ها و چارچوب مفهومی و با به‌کارگیری نرم‌افزار «ماکس کیودا»^۱ آیات مرتبط به دست آمد و در فایلی مستقل تنظیم شد؛ از این رو، داده‌های اولیه برای کدگذاری فراهم شد. پس از کدگذاری اولیه با تهیه جدول‌ها و تنظیم این کدهای به‌دست‌آمده، کدگذاری محوری نیز انجام گرفت و مراحل بعدی پژوهش براساس این روش کامل شد.

– **اعتبار کدگذاری‌ها و مفاهیم و مقوله‌های استخراج‌شده:** این تحقیق به دنبال فهم راهکارهای کنترل خشن برای جلوگیری از کجروی از دیدگاه قرآن است. مفاهیم و مقوله‌های استخراج‌شده، این ادعا را با خود دارد که قرآن کریم، راهکارهای مشخصی را برای این فرایند بیان کرده است. هنگامی این ادعا قابل قبول است که بین‌الذهانی باشد که می‌توان به این امر، عنوان «اعتبار نتایج» داد. بین‌الذهانی بودن مفاهیم و مقوله‌های استخراج‌شده، این‌گونه تأمین شده است که پس از انتخاب آیات مرتبط با موضوع و کدگذاری آنها و تهیه جدول‌های مورد نیاز، در اختیار کارشناسان علوم قرآنی (که ذهنیتی با

برداشت‌های خاص جامعه‌شناسی نداشتند)، قرار گرفت که آنها مقوله‌های به‌دست‌آمده را تأیید کردند. همچنین توافق اساتید جامعه‌شناسی (که شناخت کامل از مباحث قرآنی دارند)، درباره این مقوله‌ها گرفته شد. در واقع، این مقوله‌بندی تأیید کارشناسان را به دنبال دارد. علاوه بر این، برای فهم ظهور لفظی آیات، به کتب لغت، مانند مفردات راغب و معجم‌های قرآنی، مانند التحقیق فی کلمات القرآن، و قاموس قرآن و نیز ترجمه‌های قرآن، مانند ترجمه ناصر مکارم شیرازی و ترجمه عزت‌الله فولادوند مراجعه شده است. در مواردی که درک مفهوم از راه ترجمه و لغت مشکل بوده، یا احتمال‌های متفاوت در فهم آیه مطرح بوده، تفاسیر روایی قرآن، مانند البرهان و نور الثقلین و نیز تفاسیر دیگر ملاحظه شده است. در نتیجه، تلاش بر این بوده که مقوله‌های گرفته‌شده براساس ظهور آیات شکل بگیرد؛ به گونه‌ای که هر فردی که به نوعی توانایی فهم قرآن را داشته باشد، این مفهوم را دریافت کند. همچنین تطبیق این مفاهیم، با مفاهیم جامعه‌شناختی با راهنمایی اساتیدی انجام گرفته است که همزمان تحصیلات حوزوی و دانشگاهی داشته‌اند.

یافته‌ها

در مراجعه به همه آیات قرآن کریم، برای آگاهی از دیدگاه قرآن درباره راهکارهای کنترل خشن، آیاتی استخراج و بررسی شد که در آنها به مجازات‌هایی از نوع سالب حیات، سالب آزادی یا تنبیه بدنی اشاره شده است. در نهایت، مجموعه «آیات مرتبط با این عنوان»، برای استخراج راهکارهای کنترلی خشن از دیدگاه قرآن، مطالعه و کدگذاری شد. نتایج را می‌توان در سه مرحله کدگذاری به شرح ذیل تجزیه و تحلیل کرد:

کدگذاری اولیه: از بررسی داده‌ها در مرحله کدگذاری اولیه یا کدگذاری باز، با استفاده از ۴۴ آیه قرآن، تعداد ۱۴ مفهوم به دست آمد. این مفاهیم بیانگر دیدگاه قرآن درباره مجازات‌های خشن است. نتایج کدگذاری باز در جدول شماره ۱ ارائه شده است.

جدول ۱: کدگذاری اولیه

شماره	متن اصلی (داده)	کدگذاری اولیه	ویرایش ۱	سوره و آیه
۱	گفتند: «کیفرش [همان] کسی است که [جام] درباره او پیدا شود. پس کیفرش خود اوست. ما ستمکاران را این‌گونه کیفر می‌دهیم.	گرو گرفته شدن کجرو در برابر دزدی	به خدمت صاحب حق درآمدن	۱۲/ یوسف، ۷۵

<p>۳۳ (۰۰۵) مائده، ۳۳</p>	<p>به دار آویختن</p>	<p>آویخته شدن «محارب» و «مفسد در زمین» بر دار</p>	<p>سزای کسانی که با [دوستداران] خدا و پیامبر او می‌جنگند و در زمین به فساد می‌کوشند، جز این نیست که کشته شوند یا بر دار آویخته گردند یا دست و پایشان در خلاف جهت یکدیگر بریده شود یا از آن سرزمین تبعید شوند. این، رسوایی آنان در دنیاست و در آخرت عذابی بزرگ خواهند داشت.</p>	<p>۲</p>
<p>۳۳ (۰۰۵) مائده، ۳۳</p>	<p>تبعید</p>	<p>تبعید «محارب» و «مفسد در زمین»</p>	<p>سزای کسانی که با [دوستداران] خدا و پیامبر او می‌جنگند و در زمین به فساد می‌کوشند، جز این نیست که کشته شوند یا بر دار آویخته گردند یا دست و پایشان در خلاف جهت یکدیگر بریده شود یا از آن سرزمین تبعید شوند. این، رسوایی آنان در دنیاست و در آخرت عذابی بزرگ خواهند داشت.</p>	<p>۳</p>
<p>۶۶ (۰۰۴) نساء، ۶۶</p>	<p>تبعید</p>	<p>تبعیت نکردن برخی از حکم تبعید</p>	<p>و اگر بر آنان مقرر می‌کردیم که تن به کشتن دهید، یا از خانه‌های خود به درآید، جز اندکی از ایشان آن را به کار نمی‌بستند و اگر آنان آنچه را به آن پند داده می‌شوند، به کار می‌بستند، قطعاً برایشان بهتر و در ثبات قدم ایشان مؤثرتر بود.</p>	<p>۴</p>
<p>۳ (۰۵۹) حشر، ۳</p>	<p>تبعید</p>	<p>مقرر شدن تبعید برای مجازات طایفه‌ای</p>	<p>و اگر خدا این جلای وطن را بر آنان مقرر نکرده بود، قطعاً آنها را در دنیا عذاب می‌کرد و در آخرت [هم] عذاب آتش داشتند.</p>	<p>۵</p>
<p>۱۶ (۰۰۴) نساء، ۱۶</p>	<p>تنبيه بدنی</p>	<p>آزار دادن</p>	<p>و از میان شما، آن دو تن را که مرتکب زشتکاری می‌شوند، آزارشان دهید. پس اگر توبه کردند و درستکار شدند، از آنان صرف نظر کنید؛ زیرا خداوند توبه‌پذیر مهربان است.</p>	<p>۶</p>
<p>۳۳ (۰۰۵) مائده، ۳۳</p>	<p>زندان</p>	<p>زندان شدن (بنا بر روایتی که یکی از مصایق نفی را زندان می‌داند)</p>	<p>سزای کسانی که با [دوستداران] خدا و پیامبر او می‌جنگند و در زمین به فساد می‌کوشند، جز این نیست که کشته شوند یا بر دار آویخته گردند یا دست و پایشان در خلاف جهت یکدیگر بریده شود یا از آن سرزمین تبعید</p>	<p>۷</p>

			شوند. این، رسوایی آنان در دنیاست و در آخرت عذابی بزرگ خواهند داشت.	
۱۵	زنجان	بازداشت خانگی	و از زنان شما، کسانی که مرتکب زنا می‌شوند، چهار تن از میان خود [مسلمانان] بر آنان گواه بگیرید. پس اگر شهادت دادند، آنان [زنان] را در خانه‌ها نگاه دارید تا مرگشان فرا رسد یا خدا راهی برای آنان قرار دهد.	۸
۱۰۶	زنجان	بازداشت موقت برای ادای شهادت	ای کسانی که ایمان آورده‌اید! هنگامی که یکی از شما را [نشانه‌های] مرگ در رسید، باید از میان خود دو عادل را در موقع وصیت، به شهادت میان خود فراخوانید یا اگر در سفر بودید و مصیبت مرگ، شما را فرا رسید [و شاهد مسلمان نبود]، دو تن از غیر [هم‌کیشان] خود را [به شهادت بطلبید]. و اگر [در صداقت آنان] شک کردید، پس از نماز، آن دو را نگاه می‌دارید؛ پس به خدا سوگند یاد می‌کنند که ما این [حق] را به هیچ قیمتی نمی‌فروشیم، هر چند [پای] خویشاوند [در کار] باشد و شهادت الهی را کتمان نمی‌کنیم که [اگر کتمان حق کنیم]، در این صورت از گناهکاران خواهیم بود.	۹
۵	زنجان	در حصر قرار دادن مشرکان	پس چون ماه‌های حرام سپری شد، مشرکان را هر کجا یافتید بکشید و آنان را دستگیر کنید و به محاصره درآورید و در هر کمینگاهی به کمین آنان بنشینید. پس اگر توبه کردند و نماز بر پا داشتند و زکات دادند، راه برایشان گشاده گردانید؛ زیرا خدا آمرزنده مهربان است.	۱۰
۰۲۴ نور، ۲	شلاق زدن	شلاق زدن به زن و مرد زناکار	به هر زن زناکار و مرد زناکاری، صد تازیانه بزنید و اگر به خدا و روز بازپسین ایمان دارید، در [کار] دین خدا، نسبت به آن دو دلسوزی نکنید، و باید گروهی از مؤمنان در کیفر آن دو حضور یابند.	۱۱

۴، نور، ۰۲۴	شلاق زدن	شلاق زدن به متهم‌کنندگان زن شوهردار	۱۲ و کسانی که نسبت زنا به زنان شوهردار می‌دهند، سپس چهار گواه نمی‌آورند، هشتاد تازیانه به آنان بزنید و هیچ‌گاه شهادتی از آنها نپذیرید و اینانند که خود فاسق هستند.
۰۰۲ بقره، ۵۴	قتل	کشتن گوساله پرستان	۱۳ و چون موسی به قوم خود گفت: ای قوم من! شما با [به پرستش] گرفتن گوساله بر خود ستم کردید؛ پس به درگاه آفریننده خود توبه کنید و [خطاکاران] خودتان را به قتل برسانید که این [کار] نزد آفریدگارتان برای شما بهتر است. پس [خدا] توبه شما را پذیرفت، که او توبه‌پذیر مهربان است.
۰۰۲ بقره، ۱۹۱	قتل	کشتن مشرکان	۱۴ و هر کجا بر ایشان دست یافتید، آنان را بکشید و همان‌گونه که شما را بیرون راندند، آنان را بیرون برانید؛ [چرا که] فتنه [شرک] از قتل بدتر است، [با این همه] در کنار مسجدالحرام با آنان جنگ نکنید، مگر آنکه با شما در آنجا به جنگ درآیند. پس اگر با شما جنگیدند، آنان را بکشید که کیفر کافران چنین است.
۰۰۲ بقره، ۱۹۳	قتل	کشتن مشرکان	۱۵ با آنان بجنگید تا دیگر فتنه‌ای نباشد و دین، مخصوص خدا شود. پس اگر دست برداشتند، تجاوز جز بر ستمکاران روا نیست.
۰۰۴ (نساء، ۶۶	قتل	تبعیت نکردن برخی از حکم «تن به کشتن دادن»	۱۶ و اگر بر آنان مقرر می‌کردیم که تن به کشتن دهید... جز اندکی از ایشان آن را به کار نمی‌بستند و اگر آنان آنچه را به آن پند داده می‌شوند، به کار می‌بستند، قطعاً برایشان بهتر و در ثبات قدم ایشان مؤثرتر بود.
۰۰۴ (نساء، ۸۹	قتل	کشتن کافران	۱۷ همان‌گونه که خودشان کافر شده‌اند، آرزو دارند [که شما نیز] کافر شوید، تا با هم برابر باشید. پس زنهار، از میان ایشان برای خود، دوستانی اختیار کنید تا آنکه در راه خدا هجرت کنند. پس اگر روی برتافتند، هر کجا آنان را یافتید، به اسارت بگیرید و آنها را

			بکشید و از ایشان یار و یآوری برای خود مگیرید.	
۹۱ (۰۰۴) نساء،	قتل	کشتن مشركان	به‌زودی، گروهی دیگر را خواهید یافت که می‌خواهند از شما آسوده‌خاطر و از قوم خود [نیز] ایمن باشند. هر بار که به فتنه بازگردانده شوند، سر در آن فرومی‌برند. پس اگر از شما کناره‌گیری نکردند و به شما پیشنهاد صلح نکردند و از شما دست برنداشتند، هر کجا آنان را یافتید، به اسارت بگیرید و آنها را بکشید. آنانند که ما برای شما علیه ایشان تسلطی آشکار قرار داده‌ایم.	۱۸
۳۳ (۰۰۵) مائده،	قتل	کشتن «محارب» و «مفسدان در زمین»	سزای کسانی که با [دوستداران] خدا و پیامبر او می‌جنگند و در زمین به فساد می‌کوشند، جز این نیست که کشته شوند یا بر دار آویخته گردند یا دست و پایشان در خلاف جهت یکدیگر بریده شود یا از آن سرزمین تبعید شوند. این، رسوایی آنان در دنیاست و در آخرت عذابی بزرگ خواهند داشت.	۱۹
۵ (۰۰۹) توبه،	قتل	کشتن مشركان	پس چون ماه‌های حرام سپری شده، مشركان را هر کجا یافتید، بکشید و آنان را دستگیر کنید و به محاصره درآورید و در هر کمینگاهی به کمین آنان بنشینید. پس اگر توبه کردند و نماز بر پا داشتند و زکات دادند، راه برایشان گشاده گردانید؛ زیرا خدا آمرزنده مهربان است.	۲۰
۳۳ (۰۱۷) اِسراء،	قتل	قصاص قاتل	و نفسی را که خداوند حرام کرده است، جز به حق مکشید و هر کس مظلوم کشته شود، به سرپرست وی قدرتی داده‌ایم. پس [او] نباید در قتل زیاده‌روی کند؛ زیرا او [از طرف شرع] یاری شده است.	۲۱
۶۱ (۰۳۳) احزاب،	قتل	کشتن مشركان	از رحمت خدا دور شده‌اند و هر کجا یافته شوند، گرفته و سخت کشته خواهند شد.	۲۲
۴۵ (۰۰۵) مائده،	قصاص	قصاص	و در [تورات] بر آنان مقرر کردیم که ... و	۲۳

	عضو	مجروح کننده اعضای بدن دیگران	چشم در برابر چشم، و بینی در برابر بینی، و گوش در برابر گوش، و دندان در برابر دندان است و زخمها [نیز به همان ترتیب] قصاصی دارد. و هر که از آن [قصاص] درگذرد؛ پس آن، کفّاره [گناهان] او خواهد بود. و کسانی که به موجب آنچه خدا نازل کرده، داوری نکرده‌اند، آنان خود ستمگرانند.	
۲۴	قصاص نفس	قصاص قاتل	ای کسانی که ایمان آورده‌اید! درباره کشتگان، بر شما [حق] قصاص مقرر شده: آزاد عوض آزاد و بنده عوض بنده و زن عوض زن. و هر کس که از جانب برادر [دینی] اش [یعنی ولی مقتول]، چیزی [از حق قصاص] به او گذشت شود، [باید از گذشت ولی مقتول] به طور پسندیده پیروی کند و با [رعایت] احسان، [خونبها را] به او بپردازد. این [حکم] تخفیف و رحمتی از پروردگار شماست. پس هر کس، بعد از آن از اندازه درگذرد، وی را عذابی دردناک است.	۰۰۲ بقره، ۱۷۸
۲۵	قصاص نفس	قصاص، سبب حیات جامعه است	و ای خردمندان! شما را در قصاص زندگانی است، شاید که به تقوا گرایید.	۰۰۲ بقره، ۱۷۹
۲۶	قصاص نفس	قصاص قاتل	و در [تورات] بر آنان مقرر کردیم که جان در مقابل جان، و چشم در برابر چشم، و بینی در برابر بینی، و گوش در برابر گوش، و دندان در برابر دندان است و زخمها [نیز به همان ترتیب] قصاصی دارد. و هر که از آن [قصاص] درگذرد، پس آن، کفّاره [گناهان] او خواهد بود. و کسانی که به موجب آنچه خدا نازل کرده، داوری نکرده‌اند، آنان خود ستمگرانند.	۰۰۵ مائده، ۴۵
۲۷	قطع کردن دست	قطع کردن دست دزد	و مرد و زن دزد را به [سزای] آنچه کرده‌اند، دستشان را به عنوان کیفری از جانب خدا ببریید و خداوند توانا و حکیم است.	۰۰۵ مائده، ۳۸

۳۳ (۰۰۵) مائده،	قطع کردن دست و پا	قطع کردن دست و پای محارب و مفسد در زمین از خلاف	سزای کسانی که با [دوستداران] خدا و پیامبر او می‌جنگند و در زمین به فساد می‌کوشند، جز این نیست که کشته شوند یا بر دار آویخته گردند یا دست و پایشان در خلاف جهت یکدیگر بریده شود یا از آن سرزمین تبعید شوند. این، رسوایی آنان در دنیاست و در آخرت عذابی بزرگ خواهند داشت.	۲۸
۱۲۴ (۰۰۷) أعراف،	گزارش قطع کردن دست و پا از خلاف	قطع کردن دست و پا از خلاف	دست‌ها و پاهایتان را یکی از چپ و یکی از راست خواهم بُرید. سپس همه شما را به دار خواهم آویخت.	۲۹
۱۵۷ (۰۰۴) نساء،	گزارش به دار آویختن	آویخته نشدن حضرت عیسی بر دار	و گفته ایشان که: ما مسیح، عیسی بن مریم، پیامبر خدا را کشتیم و حال آنکه، آنان او را نکشتند و مصلوبش نکردند؛ لیکن امر بر آنان مشتبه شد و کسانی که درباره او اختلاف کردند، قطعاً در مورد آن دچار شک شده‌اند و هیچ علمی به آن ندارند، جز آنکه از گمان پیروی می‌کنند و یقیناً او را نکشتند.	۳۰
۱۲۴ (۰۰۷) أعراف،	گزارش به دار آویختن	آویخته شدن مخالفان حکومت ظالم بر دار	دست‌ها و پاهایتان را یکی از چپ و یکی از راست خواهم بُرید. سپس همه شما را به دار خواهم آویخت.	۳۱
۴۱ (۰۱۲) یوسف،	گزارش به دار آویختن	آویخته شدن مخالفان حکومت ظالم بر دار	ای دو رفیق زندانیم! اما یکی از شما به آقای خود باده می‌نوشاند و اما دیگری به دار آویخته می‌شود و پرنندگان از [مغز] سرش می‌خورند. امری که شما دو تن از من جویا شدید، تحقق یافت.	۳۲
۷۱ (۰۲۰) طه،	گزارش به دار آویختن	آویخته شدن مخالفان حکومت ظالم بر دار	[فرعون] گفت: آیا پیش از آنکه به شما اجازه دهم، به او ایمان آوردید؟ قطعاً او بزرگ شماس است که به شما سحر آموخته است. پس بی‌شک دست‌ها و پاهایتان را یکی از راست و	۳۳

			یکی از چپ قطع می‌کنم و شما را بر تنه‌های درخت خرما به دار می‌آویزم، تا خوب بدانید که عذاب کدام‌یک از ما سخت‌تر و پایدارتر است.	
۴۹ (۰۲۶) شعراء،	گزارش به دار آویختن	آویخته شدن مخالفان حکومت ظالم بر دار	گفت: [آیا] پیش از آنکه به شما اجازه دهم به او ایمان آوردید؟ قطعاً او همان بزرگ شماس است که به شما سحر آموخته است. به‌زودی خواهید دانست. حتماً دست‌ها و پاهای شما را از چپ و راست خواهیم برید و همه‌تان را به دار خواهیم آویخت.	۳۴
۱۱۱ (۰۰۷) أعراف،	گزارش وجود زندان	پیشنهاد بازداشت موسی و هارون	گفتند: او و برادرش را بازداشت کن و گردآورندگانی را به شهرها بفرست.	۳۵
۲۵ (۰۱۲) یوسف،	گزارش وجود زندان	زندانی شدن توسط حکومت ظالم	و آن دو به سوی در بر یکدیگر سبقت گرفتند و [آن زن] پیراهن او را از پشت بدرید و در آستانه در، آقای آن زن را یافتند. زن گفت: کیفر کسی که قصد بد به خانواده تو کرده چیست؟ جز اینکه زندانی یا [دچار] عذابی دردناک شود.	۳۶
۳۳ (۰۱۲) یوسف،	گزارش وجود زندان	تقاضای حضرت یوسف برای زندانی شدن	[یوسف] گفت: پروردگارا! زندان برای من دوست‌داشتنی‌تر است از آنچه من را به آن می‌خوانند و اگر نیرنگ آنان را از من بازگردانی، به سوی آنان خواهم گرایید و از [جمله] نادانان خواهم شد.	۳۷
۳۵ (۰۱۲) یوسف،	گزارش وجود زندان	زندانی شدن توسط حکومت ظالم	آن گاه پس از دیدن آن نشانه‌ها، به نظرشان آمد که او را تا چندی به زندان افکنند.	۳۸
۳۶ (۰۱۲) یوسف،	گزارش وجود زندان	هم‌زندانی داشتن حضرت یوسف	و دو جوان با او به زندان درآمدند. [روزی] یکی از آن دو گفت: من خویشتن را [به خواب] دیدم که [انگور برای] شراب می‌فشارم و دیگری گفت: من خود را [به خواب] دیدم که بر روی سرم نان می‌برم و	۳۹

			پرنندگان از آن می‌خورند. به ما از تعبیرش خبر ده، که ما تو را از نیکوکاران می‌بینیم.	
۴۰	و [یوسف] به آن کس از آن دو که گمان می‌کرد خلاص می‌شود، گفت: من را نزد آقای خود به یادآور. و [اما] شیطان، یادآوری به آقایش را از یاد او برد؛ در نتیجه، چند سالی در زندان ماند.	زندانی شدن توسط حکومت ظالم	گزارش وجود زندان	۰۱۲) یوسف، ۴۲
۴۱	[فرعون] گفت: اگر خدایی غیر از من اختیار کنی، قطعاً تو را از [جمله] زندانیان خواهم کرد.	زندانی شدن توسط حکومت ظالم	گزارش وجود زندان	۰۲۶) شعراء، ۲۹
۴۲	گفتند: او و برادرش را در بند دار و گردآورندگان را به شهرها بفرست.	زندانی شدن توسط حکومت ظالم	گزارش وجود زندان	۰۲۶) شعراء، ۳۶
۴۳	گفت: پس برو که بهره تو در زندگی این باشد که [به هر که نزدیک تو آمد] بگویی: [به من] دست مزیند و تو را موعدی خواهد بود که هرگز از آن درباره تو تخلف نخواهد شد.	ایجاد محدودیت در ارتباط با اشخاص دیگر	محرومیت از ارتباط با آزادانه با دیگران	۰۲۰) طه، ۹۷
۴۴	و [نیز] بر آن سه تن که بر جای مانده بودند [و قبول توبه آنان به تعویق افتاد] تا آنجا که زمین با همه فراخ‌اش بر آنان تنگ شد و از خود به تنگ آمدند و دانستند که پناهی از خدا جز به سوی او نیست. پس [خدا] به آنان [توفیق] توبه داد تا توبه کنند. بی‌تردید خدا همان توبه‌پذیر مهربان است.	ایجاد محدودیت در ارتباط با اشخاص دیگر (براساس شأن نزول آیه)	محرومیت از ارتباط با آزادانه با دیگران	۰۰۹) توبه، ۱۱۸

کدگذاری محوری

پس از انجام کدگذاری باز، در مرحله کدگذاری محوری، مفاهیم مشابه و همجنس از نظر معنایی در قالب مقوله‌های مهم طبقه‌بندی می‌شود. این مقوله‌ها، سطح بالاتری از انتزاع دارد و دومین مرحله در جهت «رویش نظریه» است که در جدول شماره ۲، آورده شده است:

جدول ۲: کدگذاری محوری

شماره	مقوله‌ها	مؤلفه	تعداد
۱	سلب حیات	کشتن، آویختن بر دار، قصاص نفس	۱۹
۲	تنبیه بدنی	شلاق زدن، آزار دادن، قطع کردن دست، قصاص عضو، قطع کردن دست و پا عکس هم	۷
۳	سلب آزادی	زندانی، حصر، حبس خانگی، به خدمت صاحب حق درآمدن، محرومیت از ارتباط آزادانه با دیگران، تبعید (نفی و جلاء)	۱۸

در ایجاد مقوله‌های مهم، سعی شده است که هر کدام از مقوله‌ها به لحاظ نظری، انسجام قابل قبولی داشته باشد. اینک توضیح مختصری درباره هر یک از این مقوله‌های مهم بیان خواهد شد.

سلب حیات: مجازات سلب حیات که به‌طور معمول از آن به اعدام تعبیر می‌شود، به معنای کشتن و گرفتن حق حیات از انسان است. این مجازات به شکل‌های گوناگونی انجام می‌شود. قرآن کریم، عناوین مختلفی را برای اشاره به این راهکار به کار برده است. این عناوین عبارت است از:

قتل (کشتن): در ده آیه از قرآن، برای بیان اعدام کجروها، مطلق مفهوم کشتن به کار رفته است.

تصلیب (به دار آویختن): صلَب در لغت، به معنای دار زدن برای کشتن است. این روش، در میان اقوام دیگر، به‌ویژه رومی‌ها رایج بوده است. در پنج آیه از آیات قرآن، اشاره به این مفهوم براساس گزارش وجود مجازات «به دار آویختن» در دوران گذشته است. مواردی مانند اینکه فرعون، ساحرانِ ایمان‌آورنده به حضرت موسی را تهدید به این‌گونه مرگ کرد، یا اینکه هم‌زندانی حضرت یوسف، به این نوع از مجازات محکوم شد. همچنین در آیه دیگر، به صلیب کشیده شدن حضرت عیسی (ع) نفی شده است. صلیب شکل‌های گوناگونی دارد؛ اما بیشتر دو چوب عمودی و افقی است که همدیگر را در وسط چوب عمودی یا در بالای آن قطع می‌کنند. در وسط آن، میخی وجود دارد که مصلوب را با طناب به آن می‌بندند و نیز دست‌های او را با میخ به چوب افقی می‌بندند (قرشی، ۱۳۷۱، ج ۴، ص ۱۳۹ و ۱۴۰؛ مصطفوی، ۱۳۶۰، ج ۶، ص ۲۶۳ و ۲۶۴).

فقط در یکی از آیات قرآن، تصلیب به عنوان یکی از چهار مجازات محارب محسوب شده است. محارب، کسی است که امنیت عمومی را به هم زده و ایجاد ناامنی و سلب

آسایش کند. با توجه به روایات، اگر حاکم صلاح بداند، او را سه روز به دار می‌آویزند، پس از آن به زیر آورده و بر او نماز می‌خواند و دفن می‌کند.

در معنای «به صلیب کشیدن» در این آیه نیز اختلاف است که آیا به این معناست که ابتدا، فرد کشته می‌شود و بعد به دار آویخته می‌شود، یا اینکه او را به صورت زنده دار می‌زنند تا مرگ او فرارسد. در روایات آمده است که محارب سه روز بر دار باقی می‌ماند و روز چهارم پایین آورده می‌شود (حر عاملی، ۱۴۱۴، ج ۲۸، ص ۳۱۸).

ملاحظه این احادیث نشان می‌دهد که اول محارب را می‌کشند، سپس مرده‌اش را به دار می‌زنند؛ چنان که شیخ طوسی آیه را حمل بر ترتیب کرده و فتوا داده که پیش از قتل، «صلب» جایز نیست؛ ولی شیخ مفید و ابن ادریس، آیه را حمل بر تخییر کرده و گفته‌اند زنده به دار زده می‌شود (منتظری، ۱۴۰۸، ص ۱۴). دار زدن در صورت صلاح دیدن حاکم، برای آن است که مردم او را مصلوب دیده، متنبه شوند و ایجاد ناامنی نکنند (قرشی، ۱۳۷۱، ج ۴، ص ۱۳۹ و ۱۴۰).

اما اینکه «تصلیب»، به معنای حلق آویز کردن و کشتن او به واسطه خفه شدن باشد، این آیه بر آن دلالت ندارد؛ زیرا تصلیب به معنای بسته شدن به شکل صلیب و ماندن او به همان شکل به مدت چند روز است و هیچ اشاره‌ای به خفه کردن مجرم ندارد.

«قصاص» (مقابله به مثل در جنایت عمدی): قصاص را به آن دلیل «قصاص» می‌گویند که در تعقیب جنایت و به دنبال آن است. اینکه قرآن کریم با کلمه «يَا أُولِي الْأَلْبَابِ»، عاقلان را خطاب قرار می‌دهد - و می‌گوید: برای شما در قصاص، زندگی است - به این معناست که هر انسان که بداند در صورت کشتن دیگری، او را خواهند کشت، کسی را نمی‌کشد. در واقع، این حکم مانع ارتکاب قتل و در نتیجه، سبب حیات و زنده ماندن مردم می‌شود (قرشی، ۱۳۷۱، ج ۶، ص ۱۲). به بیان دیگر، حکم قصاص، حکمی عقلایی است که صاحبان عقل و اندیشه از هر دین و مذهب خواهند دانست که حکم قصاص به صلاح جامعه و سبب حفظ حیات جامعه است.

تنبيه بدنی: عناوینی که برای اشاره به این مفهوم در قرآن آمده، عبارت است از:

اذی (آزار دادن): در یک آیه، این عنوان آمده که نوع تنبیه، به شکل مطلق بیان شده و به حالت خاصی از آن اشاره نشده است. در کتاب‌های لغت، اذی به معنای «ما یتکره و ما لایلائم» آمده است؛ بنابراین، ایذاء به معنای «إیصال ما یکرهه» (رساندن چیزی به شخص که سبب ناراحتی او می‌شود) است (مصطفوی، ۱۳۶۰، ص ۶۵ و ۶۶). در مفردات راغب آمده

است: «الَّذِي: ما يصل الى الحيوان من الضرر إمّا في نفسه أو جسمه أو تبعاته دنيويا كان أو اخرويا» (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ص ۷۱).

جَلَد (شلاق زدن): در دو آیه، به مفهوم «جلد» (شلاق زدن) اشاره شده است. در آیه اول، مجازاتی برای تنبیه کجروهای جنسی تعیین شده است. در آیه دیگر، مجازات اشخاصی است که تهمت زنا به زنان شوهردار می‌زنند. در این آیات، نوع تنبیه (شلاق زدن) مشخص شده است.

قطع کردن دست: در یک آیه و درباره مجازات دزد مطرح شده است.

قصاص عضو: در یک آیه از قرآن به صورت کلی بیان شده است که اگر شخصی به عمد جراحی بر دیگری وارد کند، یا اینکه عضوی را از بین برد، این حق برای قربانی وجود دارد که به همان میزان، جراحی بر کجرو وارد کند.

قطع کردن دست و پا از خلاف: در دو آیه به این گونه از تنبیه اشاره شده است. مورد اول، گزارشی از این نوع تنبیه است که فرعون با آن، ساحران ایمان آورنده به حضرت موسی را تهدید کرد. در یک آیه هم این تنبیه را یکی از مجازات‌های تعیین شده برای «محارب» و «مفسد فی الارض» است.

سلب آزادی: که یکی از راه‌های تنبیه و مجازات کجروها و در نتیجه، جلوگیری از کجروی است. در قرآن کریم، ۱۴ آیه با عناوین گوناگون درباره مجازات‌های سالب آزادی آمده است:

- سجن (زندان): این مفهومی است که به زندان مصطلح امروزی اشاره دارد؛ یعنی «مکانی اختصاصی برای نگهداری کجروها»؛ به همین دلیل، در ترجمه آن به زبان فارسی از لغت «زندان» استفاده شده است. هشت آیه از قرآن کریم به این مفهوم اشاره دارد که گزارشی از وجود زندان در ادوار گذشته تاریخ است و هیچ موردی از آن، به عنوان مجازات نوعی خاص از کجروی در جامعه اسلامی نیست. به بیان دیگر، در قرآن کریم، مجازات زندان به شکل امروزی و با سازمانی مشخص به عنوان یکی از حدود شرعی معین شده برای کجروها مطرح نشده است. اما این به معنای مشروع نبودن زندان نیست زیرا در روایات اسلامی به زندان کردن برخی از کجروها تصریح شده است.

- حبس (بازداشت): این مفهوم، در یک آیه از قرآن بیان شده است. این آیه به نگهداری شاهدان برای قسم خوردن و ادای شهادت تا بعد از نماز عصر اشاره دارد. مفهوم برداشت شده از این آیه، به معنای «بازداشت موقت» است.

– **امساک (نگهداری و حبس):** این مفهوم نیز در یک آیه از قرآن آمده و آن درباره حکم زنانی است که مرتکب فحشا شده بودند و چهار شاهد بر ارتکاب جرم از طرف آنان اقامه شده بود. این اشخاص باید براساس حکم اولیه، به مانند حکم رایج در زمان جاهلیت، تا پایان مرگ در خانه زندانی می شدند. براساس گفته مفسران، این آیه با نزول آیات بعدی (که مجازات این گروه را تعیین می کند)، نسخ شده است. مفهوم برداشت شده از این آیه به معنای «حبس خانگی» است.

– **حصر (بازداشت کردن):** مفهوم حصر در یک آیه آمده که حکم درباره مشرکان است و قرآن به دستگیری و در حصر قرار دادن آنها دستور داده است.

– **نفی به معنای زندانی شدن:** فقها و مفسران با استفاده از روایات، یکی از معانی و مصادیق نفی را زندان در نظر گرفته اند. به گفته این محققان، زندان می تواند یکی از مصادیق نفی از بلد (شهر و خانه) باشد.

– **گرو گرفته شدن کجرو:** یکی از مجازات های رایج در کنعان در زمان حضرت یعقوب این بود که «خود شخص» در برابر تخلف دزدی در اختیار فردی قرار می گرفت که کالای او دزدیده شده بود. قرآن در یک آیه به این مفهوم اشاره دارد.

– **ایجاد محدودیت در ارتباط با دیگران:** در دو آیه به این مفهوم اشاره شده است. یک آیه در باب حکمی است که حضرت موسی برای مجازات سامری صادر کرد. مورد دوم نیز آیه ای است که در آن به قطع ارتباط با سه نفری که در جهاد شرکت نکرده بودند اشاره دارد. که سرانجام این سه نفر با این روش از کار خود پشیمان می شوند و توبه می کنند.

– **تبعید:** از جمله مفاهیمی که در قرآن کریم برای اشاره به عنوان تبعید به کار رفته، «نفی» (تبعید شدن) است. یک آیه به این مفهوم اشاره دارد و آن هم یکی از مجازات های تعیین شده برای کجروهایی است که «محارب» یا «مفسد در زمین» هستند. در صورتی که جرم این اشخاص در حد اعدام نباشد، تبعید می شوند.

– **جلاء:** این مفهوم، به معنای خروج از شهر یا اخراج از آن است و در دو آیه به آن اشاره شده است. این آیات بر این مطلب دلالت دارد که تبعید درباره گروهی خاص انجام گرفته و برای گروهی هم پذیرفتن آن مشکل بوده است.

کدگذاری گزینشی: با توجه به مقوله های مهم و توضیحات بیان شده، می توان گفت که مفهوم یا مقوله «کنترل کجروی با به کارگیری ابزار خشن»، مفهومی است که می تواند همه مباحث بالا را پوشش دهد.

جمع‌بندی (یادداشت‌های نظری)

ویژگی مهم کنترل خشن، رنج و دردی است که بر فرد تحمیل می‌شود، یا محدودیتی است که آزادی و امنیت جسمی او را به خطر می‌اندازد. بنابراین، به‌کارگیری این نوع کنترل را می‌توان در گونه‌هایی، مانند «ایجاد آزارها و آلام جسمی»، «سلب آزادی» و حتی «سلب حیات» مشاهده کرد. فرد در رویارویی با اهرم‌های این کنترل، نیازهای اساسی «جسمی» و «ایمنی» خود را در خطر می‌بیند و به همین دلیل، از خود واکنش نشان می‌دهد. یکی از این واکنش‌ها آن است که بکوشد رفتاری را ترک کند که او را با این خطر روبه‌رو کرده است. امروزه کمک گرفتن از اهرم‌های این کنترل، به‌طور معمول در برابر جرم‌هایی خاص و در مواردی توجیه‌پذیر است که سازوکار متعادل‌تر و ملایم‌تر نتوانسته باشد فرد را کنترل کند. تشخیص این امر نیز برعهده نظام جزایی، قضات و مشاوران آنها است و نیز امروزه در بسیاری از کشورها، تلاش‌هایی برای نهادینه کردن آن انجام شده است. در این میان، راهکارهای «سلب آزادی»، به‌طور معمول درباره کسانی اجرا می‌شود که امیدی به بازگشت دوباره آنان به جامعه وجود دارد؛ اما مجرمانی که این احتمال درباره آنان نمی‌رود، برای حفظ سلامت جامعه و در قالب دو مجازات مرگ یا حبس ابد، از صحنه حیات اجتماعی حذف می‌شوند (سلیمی و داوری، ۱۳۹۱، ص ۵۱۴).

این تحقیق نیز درصدد بیان «راهکارهای کنترل اجتماعی خشن از دیدگاه قرآن»، به عنوان یکی از محورهای مورد نیاز برای تکمیل الگوی کنترلی اسلام و پاسخگویی به نیاز امروز جامعه است. بنابراین، در ادامه تلاش شده است تا به پرسش‌های اصلی تحقیق، به‌طور مختصر پاسخ داده شود تا علاوه بر فراهم شدن امکان مرور سریع نتایج تحقیق برای خوانندگان، آمادگی لازم برای بحث و نتیجه‌گیری نهایی درباره موضوع مقاله ایجاد شود.

۱. دیدگاه اجتماعی قابل انتساب به قرآن درباره کنترل اجتماعی خشن چیست؟

بازدارندگی ابزارهای کنترل خشن نسبت به کجروی را می‌توان این‌گونه تحلیل کرد: اشخاص برای گرایش به رفتاری خاص، به انگیزه نیاز دارند و این لذت‌ها و پاداش‌ها است که می‌تواند آن انگیزه را ایجاد کند. متغیرهایی، مانند اعدام، تنبیه بدنی، سلب آزادی و تبعید، اثر بازدارندگی خود را از راه کاستن میزان دستیابی شخص به لذت‌ها و پاداش‌های کجروی می‌گذارد. نتیجه این وضع، در عمل آن است که تا زمانی که این تنبیه، یا ترس از آن موجود باشد، اثر انگیزه‌های کجروانه را کاهش می‌دهد. دستاورد مقاله حاضر این بود که قرآن کریم، نه تنها مجازات‌های خشن، مانند اعدام یا تنبیه بدنی را از سیاست کیفری خود حذف نکرده؛

بلکه در مواردی، این گونه از کنترل را برای انواعی از کجروی‌ها تعیین کرده است. به طور کلی، با توجه به تعابیر خاصی که قرآن درباره لزوم مجازات خشن برای برخی از کجروی‌ها آورده است، نه تنها به هیچ وجه موافق با حذف این گونه از کنترل‌ها از مجموعه راهکارهای کنترلی خود نیست؛ بلکه آن را راه حلی انحصاری برای مهار برخی از کجروی‌ها می‌داند.

۲. دیدگاه قرآن درباره مجازات اعدام چیست؟

تلاش قرآن برای رعایت حقوق انسان‌ها، سبب شده است که قوانین کیفری به گونه‌ای تنظیم شود که علاوه بر حفظ نظم اجتماعی، هیچ حقی از بین نرود. حق حیات، یکی از حقوق مسلم انسان‌ها در همه جوامع است. قرآن کریم به این حق اهمیت زیادی داده است، تا جایی که کشتن یک انسان را با کشتن تمام انسان‌ها مساوی می‌داند (ر.ک: مائده، ۳۲). بنابراین، قرآن برای شخصی که انسانی را به عمد از حق حیات محروم می‌کند، شدیدترین مجازات‌ها، یعنی اعدام را در نظر گرفته است. قرآن کریم، نه تنها حق قصاص را حقی شخصی، بلکه بالاتر از آن، یعنی سبب «حفظ حیات جامعه» معرفی کرده است. اشخاص دیگری که قرآن مجازات اعدام را برای آنان در نظر گرفته است، افرادی هستند که نظم عمومی را از بین می‌برند و سبب ترس و وحشت در میان مردم می‌شوند. محاربان و مفسدان فی الارض، مانند سارقان مسلح که به نوعی امنیت جامعه را به خطر می‌اندازند و سبب قتل و غارت می‌شوند، از این گروه هستند. به این ترتیب، با توجه به دیدگاه قرآن کریم، مجازات دو دسته از کجروها، اعدام است: گروه اول، کسانی هستند که به عمد، کسی را کشته باشند و نتوانند رضایت بازماندگان مقتول را به دست آورند (ر.ک: مائده، ۴۵). گروه دوم، نیز کسانی هستند که قرآن از آنها با عناوین «محارب» و «مفسدان فی الارض» تعبیر می‌کند که سارقان مسلح، از جمله آنهاست. البته این حکم در صورتی اجرا می‌شود که شخص، قبل از دستگیری توبه نکرده باشد.

۳. دیدگاه قرآن درباره استفاده از تنبیه‌های بدنی چیست و چه نوع از تنبیه‌ها را

پیشنهاد می‌کند؟

یکی دیگر از حقوق انسان‌ها، حق مالکیت خصوصی است. قرآن در این باره، توجه ویژه‌ای داشته و برای دزد، مجازات قطع شدن دست را در نظر گرفته است؛ البته با شرایطی که در روایات و کتب فقهی آمده است. همچنین قرآن، برای جرایمی که حقوق خصوصی دیگران را نقض می‌کند، یا اینکه حریم عفت عمومی جامعه را خدشه‌دار و نظام خانواده را مختل می‌کند، اهمیت خاصی قائل است؛ به همین دلیل، برای کنترل این گونه از کجروی‌ها

نیز تنبیه‌های سخت بدنی، مانند شلاق را تعیین کرده است.

۴. دیدگاه قرآن درباره مجازات سلب آزادی، به ویژه زندان چیست؟

براساس آیاتی که به موضوع زندان اختصاص دارد، می‌توان نتایج زیر را به دست آورد:
- آیاتی که به بحث از زندان (سجن) به اصطلاح امروزی می‌پردازند، گزارشی تاریخی از روش کنترلی حاکمان ظالم هستند که در دوره‌های پیشین برای مجازات مخالفان خود یا برخی کجروها به کار می‌گرفته‌اند. آنان مکانی را با نام زندان با کادری معین، برای این منظور اختصاص می‌داده‌اند. این مکان به صورت سازمانی خاص اداره می‌شده است. نمونه مشخص آن، زندانی شدن حضرت یوسف در حکومت مصر است.

- در مواردی که مجازات سلب آزادی برای برخی از کجروی‌ها تعیین شده، موارد ذیل قابل بررسی است: ۱. حکم حبس خانگی زنانی که اقامه شهود علیه آنان شده بود، که با آیات دیگر نسخ شده است. ۲. آیه‌ای که به بازداشت موقت شاهدان اشاره دارد، که به عنوان مجازات برای گونه‌ای از کجروی تعیین نشده است؛ بلکه برای حفظ حقوق قربانی از کجروی، اجازه بازداشت موقت شاهد را صادر کرده است؛ البته در صورتی که اعتماد به بازگشت او برای ادای شهادت نداشته باشیم. همچنین از ظاهر آیه استفاده می‌شود که نگهداری او در مسجد است، نه در زندان. ۳. ظاهر آیه‌ای که به حصر مشرکان اشاره دارد، درباره دستگیری و نگهداری این گروه از افراد است که به جنگ با مسلمانان پرداخته‌اند. با توجه به اینکه در هنگام جنگ، افراد دستگیرشده، اسیر محسوب می‌شدند، احتمال دارد که این حکم به اسیران مربوط باشد تا اینکه بعد از پایان جنگ، درباره آنان تصمیم‌گیری شود. ۴. درباره انواع دیگر سلب آزادی، مانند محدود کردن ارتباط افراد با دیگران، هرچند قرآن در مقام بیان جریان تاریخی حکم اجراشده درباره سامری است؛ اما به این گونه از مجازات، می‌تواند حداقل به عنوان یکی از موارد کلی تعزیر در نظام کنترلی اسلام توجه شود. ۵. همچنین گرو گرفته شدن دزد در برابر دزدی انجام شده نیز بیانی تاریخی است و میزان و نوع نگهداری نیز در آن مشخص نشده است؛ اما به صورت احتمال می‌توان این را مطرح کرد که اگر به هر دلیلی حکم قطع کردن دست را برای دزد اجرا نکردیم، یکی از موارد تعزیری در مجازات دزدی، کار کردن دزد به مدت معین و به شکل رایگان، برای صاحب کالای دزدی شده باشد. این نوع تعزیر می‌تواند جایگزین جریمه مالی یا زندانی شدن دزد باشد که علاوه بر رد اصل مال، در قانون برای او در نظر گرفته شود.

نتیجه‌گیری

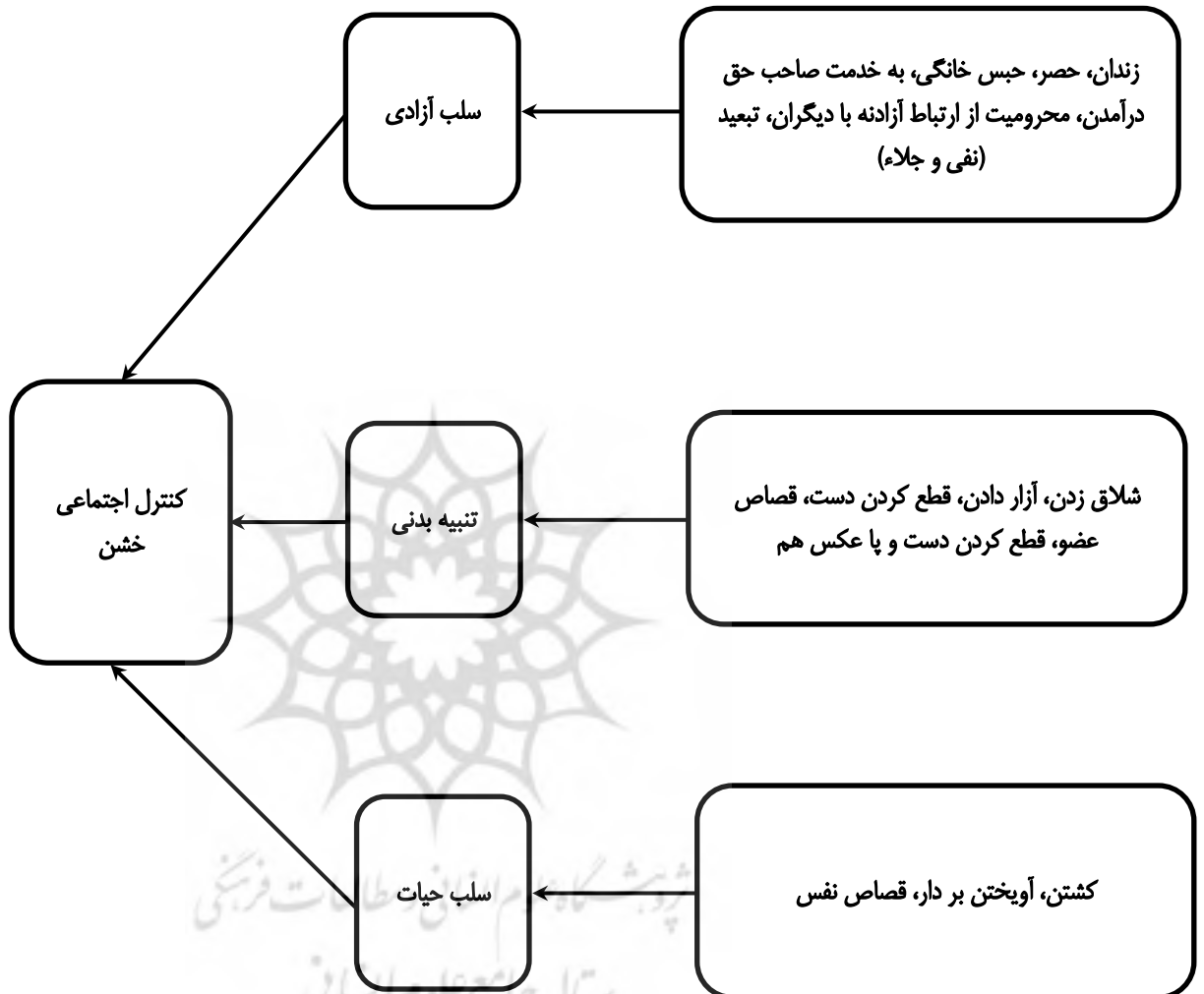
با توجه به موارد بیان شده، می‌توان نتیجه گرفت که هرچند قرآن مجازات اعدام را برای حفظ جامعه لازم می‌داند؛ ولی مصادیقی از کجروی که برای آن از دیدگاه قرآن مجازات اعدام در نظر گرفته شده، محدود است. علاوه بر این، در همین آیاتی که حکم اعدام برای کجروها صادر شده است، قرآن به دنبال راهکاری است که ضمن حفظ حقوق مقتول و بازماندگان او، کجرو نیز از مجازات اعدام رهایی یابد. به همین دلیل، اولیای مقتول را به بخشش کجرو و دریافت دیه تشویق می‌کند (ر.ک: بقره، ۱۷۸؛ مائده، ۴۵). همچنین قرآن درباره محارب اعلام می‌دارد که اگر قبل از دستگیری توبه کند، مجازات اعدام به عنوان حق حکومتی از او برداشته می‌شود (ر.ک: توبه، ۵؛ مائده، ۳۴). بنابراین، به طور کلی می‌توان ادعا کرد که قرآن، علاوه بر محترم شمردن خون انسان‌ها و اهمیتی که برای امنیت عمومی و حفظ جان مردم قائل است - تا آنجا که کشتن یک نفر را با کشتن همه انسان‌ها مساوی می‌داند - ولی در مقام اجرای حکم، به دنبال به حداقل رساندن این‌گونه از مجازات‌ها است. از دیدگاه قرآن کریم، مهم آن است که ترس از اجرای این حکم در میان اشخاص سبب شود آنها از ارتکاب قتل یا جرایمی با مجازات اعدام، خودداری کنند. با توجه به موارد بیان شده و در بررسی همه آیات قرآن کریم، آیه‌ای یافت نشد که به طور مستقیم به لزوم وجود زندان به شکل امری اشاره داشته باشد. البته این مطلب به آن معنا نیست که مجازات زندان در اسلام تشریح نشده؛ زیرا در بسیاری از روایات، مجازات زندان برای برخی از کجروی‌ها بیان شده است و فقهای شیعه و سنی نیز براساس این روایات بر لزوم زندانی کردن برخی از کجروها به صورت موقت یا دائم فتوا داده‌اند (ر.ک: منتظری، ۱۴۰۸، ص ۴۵۸-۵۳۸). علاوه بر اینکه می‌توان با توسعه در مفهوم تعزیر که از مطلق «اذی» استفاده می‌شود، زندان را یکی از مصادیق تعزیر شرعی دانست که اگر به گونه مناسب اجرا شود، به نوعی آزار دادن کجرو برای بازگشت از کجروی است. البته طراحی شکل سازمان زندان با تأکید بر نظر اسلام، به تحقیقی مستقل نیاز دارد که باید با توجه به آثار مثبت و منفی مجازات زندان به شکل امروزی، انجام شود.

همچنین درباره دیگر مجازات‌های سلب آزادی، می‌توان گفت که از دیدگاه قرآن، این‌گونه از مجازات‌ها، مانند اعدام در موارد خاص و محدود کاربرد دارد. هرچند در بسیاری از روایات، مواردی برای مصادیق مجازات‌های سلب آزادی بیان شده است که شناخت آن به تحقیق مستقلی در این باره نیاز دارد. بنابراین، نمی‌توان رویکرد تعیین مجازات زندان برای

بیشتر جرایم را همخوان و سازگار با آموزه‌های قرآنی دانست. از این رو، با حفظ مجازات‌های سلب آزادی برای کجروهای خاص، باید سعی شود مجازات مجرم‌هایی که با این‌گونه از مجازات روبه‌رو هستند، به مجازات‌های دیگر تبدیل شود. همچنین از آیاتی که درباره تنبیه‌های بدنی، مانند قطع دست و شلاق یا آزار دادن مجرم به شکل کلی بحث کرده است، می‌توان برداشت کرد که این‌گونه از تنبیه‌ها می‌تواند گستره وسیعی از مجازات‌ها را دربرگیرد. بنابراین، برای تنظیم جایگزین‌های زندان می‌توان این‌گونه از تنبیه‌ها را به کار برد. جمع‌بندی گزاره‌های موجود در راهکارهای اجرایی مجازات خشن از دیدگاه قرآن عبارت است از:

- پذیرش اعدام برای مجازات برخی از کجروی‌ها مانند فساد در زمین و قتل عمد.
- قصاص قاتل، سبب حیات جامعه است.
- رضایت اولیای مقتول می‌تواند حکم اعدام را به پرداخت دیه تبدیل کند.
- توبه محارب قبل از دستگیری سبب برادشته شدن حکم اعدام او در خصوص جنبه عمومی جرم می‌شود.
- تشویق اولیای مقتول به پذیرش تبدیل حکم اعدام قاتل به پرداخت دیه.
- روش‌های تنبیه عبارت است از: قطع کردن دست، قطع کردن دست و پا، شلاق زدن.
- عدم تأکید قرآن بر استفاده از زندان به شکل امروزی و با سازمانی مشخص.
- محدود شدن مجازات سالب آزادی از دیدگاه قرآن به بازداشت موقت و محدودیت در ارتباط کجرو با دیگران.
- تبعید، یکی از راهکارهای مجازات سالب آزادی است.
- تعزیر، به معنای تنبیه کجروها به شکل مطلق، یکی از راهکارهای مقابله با کجروی از دیدگاه قرآن، مطرح شده است. جزئیات اجرای این حکم در روایات و کتاب‌های فقها آمده است که تحقیق مستقلی نیاز دارد. راهکارهای کنترل خشن در نمودار زیر نشان داده شده است.

نمودار راهکارهای کنترل خشن



فهرست آیات

وَإِذْ قَالَ مُوسَى لِقَوْمِهِ يَا قَوْمِ إِنَّكُمْ ظَلَمْتُمْ أَنْفُسَكُمْ بِاتِّخَاذِكُمُ الْعِجْلَ فَتُوبُوا إِلَيَّ بَارِكُمْ فَاقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ ذَلِكَ خَيْرٌ لَكُمْ عِنْدَ بَارِكُمْ فَتَابَ عَلَيْكُمْ إِنَّهُ هُوَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ (البقرة / ۵۴).

يَا الَّذِينَ آمَنُوا كَتِبَ عَلَيْكُمُ الْقِصَاصُ فِي الْقَتْلِ الْحُرُّ بِالْحُرِّ وَالْعَبْدُ بِالْعَبْدِ وَالْأَنْثَى بِالْأَنْثَى فَمَنْ عُفِيَ لَهُ مِنْ أَخِيهِ شَيْءٌ فَاتَّبِعْ بِالْمَعْرُوفِ وَأَدَاءٌ إِلَيْهِ بِإِحْسَانٍ ذَلِكَ تَخْفِيفٌ مِّن رَّبِّكُمْ وَرَحْمَةٌ فَمَنْ اعْتَدَى بَعْدَ ذَلِكَ فَلَهُ عَذَابٌ أَلِيمٌ (البقرة / ۱۷۸).

وَلَكُمْ فِي الْقِصَاصِ حَيَاةٌ يَا أُولِي الْأَلْبَابِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ (البقرة / ۱۷۹).
وَأَقْتُلُوهُمْ حَيْثُ تَقَفْتُمُوهُمْ وَأَخْرَجُوهُمْ مِّنْ حَيْثُ أَخْرَجُوهُمْ وَالْفِتْنَةُ أَشَدُّ مِنَ الْقَتْلِ وَلَا تَقَاتِلُوهُمْ عِنْدَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ حَتَّى يَقَاتِلُوكُمْ فِيهِ فَإِن قَاتَلُوكُمْ فَاقْتُلُوهُمْ كَذَلِكَ جَزَاءُ الْكَافِرِينَ (البقرة / ۱۹۱).
وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ وَيَكُونَ الدِّينُ لِلَّهِ فَإِنِ انتَهَوْا فَلَا عُدْوَانَ إِلَّا عَلَى الظَّالِمِينَ (البقرة / ۱۹۳).

الشَّهْرِ الْحَرَامِ وَالشَّهْرِ الْحَرَامِ وَالْحُرُمَاتِ قِصَاصٌ فَمَنْ اعْتَدَى عَلَيْكُمْ فَاعْتَدُوا عَلَيْهِ بِمِثْلِ مَا اعْتَدَى عَلَيْكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ مَعَ الْمُتَّقِينَ (البقرة / ۱۹۴).

وَالَّذَانِ يَأْتِيَانِيَا مِنْكُمْ فَأُذُوهُمَا فَإِن تَابَا وَأَصْلَحَا فَأَعْرِضُوا عَنْهُمَا إِنَّ اللَّهَ كَانَ تَوَّابًا رَّحِيمًا (النساء / ۱۶).

وَلَوْ أَنَّا كَتَبْنَا عَلَيْهِمْ أَنْ اقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ أَوْ أَخْرِجُوا مِنْ دِيَارِكُمْ مَا فَعَلُوهُ إِلَّا قَلِيلٌ مِنْهُمْ وَلَوْ أَنَّهُمْ فَعَلُوا مَا يُوعَظُونَ بِهِ لَكَانَ خَيْرًا لَهُمْ وَأَشَدَّ تَنبِيئًا (النساء / ۶۶).

وَدُّوا لَوْ تَكْفُرُونَ كَمَا كَفَرُوا فَتَكُونُونَ سَوَاءً فَلَا تَتَّخِذُوا مِنْهُمْ أَوْلِيَاءَ حَتَّى يَهَاجِرُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَإِن تَوَلَّوْا فَخُذُوهُمْ وَاقْتُلُوهُمْ حَيْثُ وَجَدْتُمُوهُمْ وَلَا تَتَّخِذُوا مِنْهُمْ وُلِيًّا وَلَا نَصِيرًا (النساء / ۸۹).

۰۰۴) سَتَجِدُونَ آخِرِينَ يَرِيدُونَ أَنْ يَأْمَنُوكُمْ وَيَأْمَنُوا قَوْمَهُمْ كُلًّا مَا رَدُّوا إِلَى الْفِتْنَةِ أُرْكَسُوا فِيهَا فَإِن لَّمْ يَعْزِلُوكُمْ وَيَلْقُوا إِلَيْكُمُ السَّلَامَ وَيَكْفُرُوا أَيْدِيَهُمْ فَخُذُوهُمْ وَاقْتُلُوهُمْ حَيْثُ تَقَفْتُمُوهُمْ وَأُولَئِكَمُ جَعَلْنَا لَكُمْ عَلَيْهِمْ سُلْطَانًا مُّبِينًا (النساء / ۹۱).

وَقَوْلِهِمْ إِنَّا قَتَلْنَا الْمَسِيحَ عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ رَسُولَ اللَّهِ وَمَا قَتَلُوهُ وَمَا صَلَبُوهُ وَلَكِنْ شُبِّهَ لَهُمْ وَإِنَّ الَّذِينَ اخْتَلَفُوا فِيهِ لَفِي شَكٍّ مِّنْهُ مَا لَهُمْ بِهِ مِنْ عِلْمٍ إِلَّا اتِّبَاعَ الظَّنِّ وَمَا قَتَلُوهُ يَقِينًا (النساء / ۱۵۷).

إِنَّمَا جَزَاءُ الَّذِينَ يُحَارِبُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَيَسْعَوْنَ فِي الْأَرْضِ فَسَادًا أَنْ يُقَتَّلُوا أَوْ يُصَلَّبُوا أَوْ تُقَطَّعَ أَيْدِيهِمْ وَأَرْجُلُهُمْ مِّنْ خَلْفٍ أَوْ يُنْفَوْا مِنَ الْأَرْضِ ذَلِكَ لَهُمْ خِزْيٌ فِي الدُّنْيَا وَلَهُمْ فِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ عَظِيمٌ (المائدة / ۳۳).

وَالسَّارِقُ وَالسَّارِقَةُ فَاقْطَعُوا أَيْدِيَهُمَا جَزَاءً بِمَا كَسَبَا نَكَالًا مِّنَ اللَّهِ وَاللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ (المائدة / ۳۸).

وَكَتَبْنَا عَلَيْهِمْ فِيهَا أَنَّ النَّفْسَ بِالنَّفْسِ وَالْعَيْنَ بِالْعَيْنِ وَالْأَنْفَ بِالْأَنْفِ وَالْأُذُنَ بِالْأُذُنِ وَالسِّنَّ بِالسِّنِّ وَالْجُرُوحَ قِصَاصٌ فَمَن تَصَدَّقَ بِهِ فَهُوَ كَفَّارَةٌ لَهُ وَمَن لَّمْ يَحْكَمْ بِمَا أَنزَلَ اللَّهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ (المائدة/٤٥).

يا أيها الذين آمنوا شهادة بينكم إذا حضر أحدكم الموت حين الوصية اثنان ذوا عدل منكم أو آخران من غيركم إن أنتم ضربتم في الأرض فأصابتكم مصيبة الموت تحبسونهما من بعد الصلوة فيقسمان بالله إن ارتبتم لا نشتري به ثمنا ولو كان ذا قرى ولنا نكتم شهادة الله إنا إذا لمن الآثمين (المائدة/١٠٦).

قَالُوا أَرْجِهْ وَأَخَاهُ وَأَرْسِلْ فِي الْمَدَائِنِ حَاشِرِينَ (الاعراف /١١١).

لَأَقْطَعَنَّ أَيْدِيَكُمْ وَأَرْجُلَكُمْ مِّنْ خِلَافٍ ثُمَّ لَأُصَلِّبَنَّكُمْ أَجْمَعِينَ (الاعراف /١٢٤).

فَإِذَا انسَلَخَ الْأَشْهُرُ الْحُرْمُ فَاقْتُلُوا الْمُشْرِكِينَ حَيْثُ وَجَدْتُمُوهُمْ وَخُذُوهُمْ وَأَحْضُرُوهُمْ وَأَقْعُدُوا لَهُمْ كُلَّ مَرْصَدٍ فَإِن تَابُوا وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ فَخَلُّوا سَبِيلَهُمْ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ (التوبة/٥).

وَعَلَى الثَّلَاثَةِ الَّذِينَ خَلَفُوا حَتَّى إِذَا ضَاقَتْ عَلَيْهِمُ الْأَرْضُ بِمَا رَحُبَتْ وَضَاقَتْ عَلَيْهِمْ أَنْفُسُهُمْ وَظَنُّوا أَن لَّا مَلْجَأَ مِنَ اللَّهِ إِلَّا إِلَيْهِ ثُمَّ تَابَ عَلَيْهِمْ لِيَتُوبُوا إِنَّ اللَّهَ هُوَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ (التوبة/١١٨).

وَاسْتَبَقَا الْبَابَ وَقَدَّتْ قَمِيصُهُ مِنْ دُبُرٍ وَأَلْفَا سَيِّدَهَا لَدَى الْبَابِ قَالَتْ مَا جَزَاءُ مَنْ أَرَادَ بِأَهْلِكَ سُوءًا إِلَّا أَن يُسْجَنَ أَوْ عَذَابٌ أَلِيمٌ (يوسف /٢٥).

قَالَ رَبِّ السِّجْنُ أَحَبُّ إِلَيَّ مِمَّا يَدْعُونَنِي إِلَيْهِ وَإِلَّا تَصْرِفْ عَنِّي كَيْدَهُنَّ أَصْبُ إِلَيْهِنَّ وَأَكُن مِّنَ الْجَاهِلِينَ (يوسف /٣٣).

ثُمَّ بَدَأَ لَهُمْ مِّن بَعْدِ مَا رَأُوا الْآيَاتِ لَيْسَجُنَّهُ حَتَّى جِئَ (يوسف /٣٥).

وَدَخَلَ مَعَهُ السِّجْنَ فَتَيَانِ قَالَ أَحَدُهُمَا إِنِّي أَرَانِي أَعْصِرُ خَمْرًا وَقَالَ الْآخَرُ إِنِّي أَرَانِي أَحْمِلُ فَوْقَ رَأْسِي خُبْرًا تَأْكُلُ الطَّيْرُ مِنْهُ نَبِّئْنَا بِتَأْوِيلِهِ إِنَّا نَرَاكَ مِنَ الْمُحْسِنِينَ (يوسف /٣٦).

يَا صَاحِبِ السِّجْنِ أَمَا أَحَدُكُمَا فَيَسْقَى رَبَّهُ خَمْرًا وَأَمَّا الْآخَرُ فَيُصَلِّبُ فَتَأْكُلُ الطَّيْرُ مِنْ رَأْسِهِ قُضِيَ الْأَمْرُ الَّذِي فِيهِ تَسْتَفْتِيَانِ (يوسف /٤١).

وَقَالَ لِلَّذِي ظَنَّ أَنَّهُ نَاجٍ مِّنْهُمَا اذْكُرْنِي عِنْدَ رَبِّكَ فَأَنسَاهُ الشَّيْطَانُ ذِكْرَ رَبِّهِ فَلَبِثَ فِي السِّجْنِ بِضْعَ سِنِينَ (يوسف /٤٢).

قَالُوا جَزَاءُ مَنْ وَجِدَ فِي رَحْلِهِ فَهُوَ جَزَاؤُهُ كَذَلِكَ نَجْزِي الظَّالِمِينَ (يوسف /٧٥).

وَلَا تَقْتُلُوا النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ وَمَن قُتِلَ مَظْلُومًا فَقَدْ جَعَلْنَا لَوْلِيهِ سُلْطَانًا فَلَا يَسْرِفُ فِي الْقَتْلِ إِنَّهُ كَانَ مَنْصُورًا (الاسراء /٣٣).

قَالَ قَاذِبٌ فَإِن لَّكَ فِي الْحَيَاةِ أَنْ تَقُولَ لَأَسْأَسَ وَإِن لَّكَ مَوْعِدًا لَّنْ تُخْلَفَهُ وَانظُرْ إِلَى إِلْهِكَ

الَّذِي ظَلَّتْ عَلَيْهِ عَاكِفًا لَنُحَرِّقَنَّهُ ثُمَّ لَنَنْسِفَنَّهُ فِي الْيَمِّ نَسْفًا (طه / ۷۱).
 قَالَ آمَنْتُمْ لَهُ قَبْلَ أَنْ آذَنَ لَكُمْ إِنَّهُ لَكَبِيرِكُمْ الَّذِي عَلَّمَكُمُ السِّحْرَ فَلَأَقْطَعَنَّ أَيْدِيَكُمْ وَأَرْجُلَكُمْ مِّنْ خِلَافٍ وَلَأُصَلِّبَنَّكُمْ فِي جُذُوعِ النَّخْلِ وَلَتَعْلَمُنَّ أَيُّنَا أَشَدُّ عَذَابًا وَأَبْقَى (طه / ۷۱).
 الزَّانِيَةَ وَالزَّانِيَ فَاجْلِدُوا كُلَّ وَاحِدٍ مِّنْهُمَا مِئَةَ جَلْدَةٍ وَلَا تَأْخُذْكُمْ بِهِمَا رَأْفَةٌ فِي دِينِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَلْيَشْهَدْ عَذَابَهُمَا طَائِفَةٌ مِّنَ الْمُؤْمِنِينَ (النور / ۲).
 وَالَّذِينَ يَرْمُونَ الْمُحْصَنَاتِ ثُمَّ لَمْ يَأْتُوا بِأَرْبَعَةِ شُهَدَاءَ فَاجْلِدُوهُمْ ثَمَانِينَ جَلْدَةً وَلَا تَقْبَلُوا لَهُمْ شَهَادَةً أَبَدًا وَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ (النور / ۴).
 قَالَ لئنِ اتَّخَذَتِ إِلهَا غَيْرِي لَأَجْعَلَنَّكَ مِنَ الْمَسْجُورِينَ (الشعراء / ۲۹).
 قَالُوا أَرْجِهْ وَأَخَاهُ وَأَبْعَثْ فِي الْمَدَائِنِ حَاشِرِينَ (الشعراء / ۳۶).
 قَالَ آمَنْتُمْ لَهُ قَبْلَ أَنْ آذَنَ لَكُمْ إِنَّهُ لَكَبِيرِكُمْ الَّذِي عَلَّمَكُمُ السِّحْرَ فَلَسَوْفَ تَعْلَمُونَ لَأَقْطَعَنَّ أَيْدِيَكُمْ وَأَرْجُلَكُمْ مِّنْ خِلَافٍ وَلَأُصَلِّبَنَّكُمْ أَجْمَعِينَ (الشعراء / ۴۹).
 مَلْعُونِينَ أَيْنَمَا تُقِفُوا أُخِذُوا وَقُتِلُوا تَقْتِيلًا (الاحزاب / ۶۱).
 وَلَوْ أَن كُتِبَ اللَّهُ عَلَيْهِمُ الْجَلَاءُ لَعَذَّبَهُمْ فِي الدُّنْيَا وَلَهُمْ فِي الْآخِرَةِ عَذَابُ النَّارِ (الحشر / ۳).

منابع

- قرآن کریم.
- آذربایجانی و همکاران (۱۳۹۰)، روان‌شناسی اجتماعی با نگرش به منابع اسلامی، چ ۴، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- آنسلم، استراوس و جولیت کریبن (۱۳۹۰)، مبانی پژوهش کیفی (فنون و مراحل تولید نظریه زمینه‌ای)، ترجمه ابراهیم افشار، تهران: نشر نی.
- اتکینسون، ریتال و ریچارد هیلگارد (۱۳۷۸)، زمینه روان‌شناسی، ترجمه علی‌نقی برهنی، تهران: رشد.
- ارونسون، الیوت (۱۳۸۹)، روان‌شناسی اجتماعی، چ ۶، ترجمه حسین شکرکن، تهران: رشد.
- برانندن، ناتانیل (۱۳۷۱)، تهران: شرکت سهامی انتشار.
- حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۱۴)، وسائل الشیعه، ج ۲۸، قم: مؤسسه آل‌البیت لاحیاء التراث.
- خالصی، محمدباقر (۱۴۱۳)، احکام‌المجوسین، قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
- شولتز، دوان و سیدنی‌الن شولتز (۱۳۸۵)، نظریه‌های شخصیت، ترجمه یحیی سیدمحمدی، چ ۹، تهران: مؤسسه نشر ویرایش.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲)، المفردات فی غریب القرآن، بیروت، دمشق: دارالعلم الدار الشامیه.
- ساروخانی، باقر (۱۳۷۷)، دائرةالمعارف علوم اجتماعی، تهران: دانشگاه تهران.
- سالاری فر، محمدرضا؛ محمدصادق شجاعی؛ سیدمهدی موسوی و محمد دولت‌خواه (۱۳۸۹)، بهداشت روانی با نگرش به منابع اسلامی، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه و سمت.
- سلیمی، علی و محمد داوری (۱۳۹۱)، جامعه‌شناسی کجروی، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- شکیباپور، عنایت‌الله (۱۳۶۳)، دائرةالمعارف روان‌شناسی و روان‌کاوی، تهران: فروغی.
- صادقی اردستانی، احمد (۱۳۶۰)، زندان در اسلام، قم: نشر محمد.

- صدیق اورعی، غلامرضا (۱۳۸۲)، بررسی ساختار نظام اجتماعی در اسلام، تهران: اداره کل پژوهش‌های سیما.
- صدیق اورعی، غلامرضا (۱۳۹۰)، بررسی جامعه‌شناختی شیوه تصمیم‌گیری و دلایل پس‌انداز مردم مشهد، رساله دکترای جامعه‌شناسی، دانشگاه فردوسی مشهد.
- طباطبایی، سیدمحمدحسین (۱۴۱۷)، میزان فی تفسیر القرآن، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲)، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران: ناصرخسرو.
- طبسی، نجم‌الدین (۱۳۸۲)، حقوق زندانی و موارد زندان در اسلام، ترجمه سیدمحمدعلی احمدی ابهیری و همکاران، قم: بوستان کتاب.
- فیست، حبس و جی فیست گریگوری (۱۳۸۶)، نظریه‌های شخصیت، ترجمه یحیی سیدمحمدی، تهران: نشر روان.
- علی احمدی، علیرضا و سعید نهایی (۱۳۸۶)، توصیفی جامع از روش‌های تحقیق (پارادایم‌ها، استراتژی‌ها، طرح‌ها و رویکردهای کمی، کیفی و ترکیبی)، چ ۲، تهران: تولید دانش.
- قرشی، سیدعلی اکبر (۱۳۷۱)، قاموس قرآن، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- گنجی، حمزه و مهدی گنجی (۱۳۹۱)، نظریه‌های شخصیت، تهران: ساوالان.
- مازلو، ابراهام. اچ. (۱۳۶۷)، انگیزش و شخصیت، مشهد: معاونت فرهنگی آستان قدس رضوی.
- مصطفوی، حسن (۱۳۶۰)، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- منتظری، حسینعلی (۱۴۰۸)، دراسات فی ولایة الفقیه و فقه الدولة الاسلامیه، ج ۲، قم: مرکز العالمی للدراسات الاسلامیه.
- منصوریان، محمدکریم (۱۳۸۱)، روش‌های پژوهش کیفی و کمی در علوم اجتماعی، شیراز: نوید شیراز.
- وائلی، احمد (۱۳۶۷)، احکام زندان در اسلام، ترجمه محمدحسن بکایی، قم: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.